

آن آسان است. چه کسی دولت ندارد که در بازمانده بودن بابت شرکت همزمان در اینجا تنها باید گفته شد که حکومت های دموکراتیکه اگر نتوانند نرخ معینی از رشد اقتصادی را حفظ کنند مشکلات برای خودشان به وجود می آید. دولت را نه به مهابت و میزان هزینه های عمومی آزادی، و همچنین رفاهت و درجه دادن ها که یکی از خصیصه های بازی حری است، این نرخ رشد تقریباً بالا است. در واقع به وضوح بالاتر از آن چیزی که اکثر کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه از او سر درده افتاده به بعد به آن رسیده اند. از این رو، کوشش همزمان برای محدود کردن بودجه و مسانعت انگیزه های برای عرضه و همچنین تلاش با حداقل گزافه گیری برای توضیح این اهداف، وجود دارد. در اینجا به حکمتی است که خود اعلام کرده اند: ششست خردمند، در نتیجه عاید شده است؛ یکی کاهش نرخ باروری در فرانک در ترواتی حکومت برای امداد رده های طرد است که جیمز آلت (James Alt) در کتابی به عنوان سیاست های زوال اقتصادی مفصلاً آن را توضیح داده و نتیجه دیگری به وجود آمدن مشکلات واقعی با ابعاد تقریباً غیر قابل کنترل است. عدم توازن وضعیت ابالات متحده که تعبیر خوشبینانه است - یعنی کسری داخلی و بدهی خارجی - کوتاه ترین نمونه است.

معداری خائض روی در اینجا ممکن است به فهم بلیه استدلال من کمک کند. مطالعه «جیمز آلت» به بریتانیا مربوط می شود. بریتانیا تاریخی غیر معمول و منحصر به فرد، در خصوص رشد و توسعه خود دارد. ششگانه اقتصادی بریتانیا، در مقابل سایر زبانی، در پیچیدگی سطح سلطنت بود. است. در زمانهایی، بزود نسبی اقتصاد به تراز مطلق بسیار نزدیک می شد. معادلات دموکراسی بریتانیا در مختارش من است. در واقع هر دو دموکراسی تقریباً برابر با هم با مختارش بود. مگر در مجمع العزیز بریتانیا. اما (مجموعه) سیاسی خصمانه در مختار عوام شش و زودی شرکت در بازی های مجموع صرف است. با توازن نهفته بین رونق اقتصادی و سایر عوامل رفاه وجود دارد. در هر صورت، در تحلیل کلی باید از عنصر فرنگی - تفاوت - سرسری گذشت. در فرنگی به موضوع اصلی استدلال خود، باید بگویم که رشد اقتصادی است و بدون توسعه بسیاری از مسائل اجتماعی و سیاسی را نمی توان حل کرد. در بسیاری از فرنگ ها، رشد اقتصادی، به بخشی از فرایند توسعه و درک شدن شامل است. حداقل اینکه، اگر اقتصاد را که باشد و راه عمومی بود، نباید، مردم کسری تحت فشار می گیرد. اما اگر به میزان رضایت بخشی از رشد هم فراموش مسائل اساسی حق برخورداری حل نشده باقی می ماند، جامعه آن کشور، که چگونه می توان کسری را که در سالع حاصل می آید، یعنی به دریا اقتصاد، مجدداً به ششتری در حال حرکت برگرداند. این مسئله نیز مطرح است که چگونه تفرقات کسری را که در عرض ششتری مستند در کسری گماند یعنی با چه چیزی که می توان عرضه نمود، منتقل کرد. این دو مساله اساسی است که هم مربوط باشند پس از آن، چگونه می توان ساختارهای استحقاق را تغییر داد؟

این سؤال، نیکان دفعه است. بعضی ها میگویند است استدلال کنند که بعضی ساختار استحقاق و حق برخورداری، تقریباً سراسر قابل تغییر است. اگر چنین می بود، ما در مورد توسعه اقتصادی اساسی را که در خلال اینها با زندگی می کرده اند، هیچگاه خودتقلات را به فراموش کرده اند. بر روی ششگانه کسری اولیه اقتصاد، در آن همه کسری برخورداری ساخته اند. آنها تبدیل موجه، با خودان، انقلاب، خود زمان ها و مکان های است که وقوع انقلابها را اجتناب ناپذیر می کند. به هر حال، کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و با حداقل از نظر زمانی و از نظر مکانی در وضعیت انقلابی هستند (فصل اعظم بلیه) در کشورهای جهان مگر در چندین وضعیت هستند. بنابراین، بهر است آن دسته از تغییرات مهمی را که تاریخ از اصلاحات استحقاق نشان می دهد، به وقوع آمیخته می شود. این تغییرات اساسی در واقع، برای دولت اجتماعی (Social State) دولت رفاهی که بسیار دور اندک گفته شده است، نیز سر نهی آن هستند. اگر ما خود را به موارد فوق بیاوریم باید دست و پا بستگ شوند (یعنی نابرابری های جدید ناشی از توسعه جدید) و همچنین موضوعات عدم استحقاق و فقر در متدین کشورها از این (برون) بازمانده استحقاق استحقاق اقتصادی منضم و چیزی کمتر از آن.

چه تغییراتی توسط چه کسی یا چه کسانی نام بردن و منتظر کردن اهداف آسان است. سطح ساختارهای حق بر

رشد اقتصادی، قدرت حاکمیت و شایستگی ها

... اکنون روشن شده است که در کشورهای در حال توسعه، فقر اکثریت در کنار ثروت اقلیت، به قول فرانسوا میرابو، اقتصاددانان مردمی، یک قانون است. و یک نکته بررسی چگونگی منحصر ساختن این قانون طی دو دهه اخیر یک محور عمده بحثهای مربوط به توسعه اقتصادی - اجتماعی بوده است. بسیاری از کشورهای در حال توسعه و هند که طی سه دهه اخیر بهی گریخته مشغول تجربه توسعه اقتصادی بوده اند - از همان ابتدا استراتژی در پی توسعه - یعنی هم بهره برداری کارآفرینان و افزایش تولید، و هم کاهش کارمندی های اجتماعی - را مد نظر قرار دادند ولی در موارد نیز سرمایه و رشد مطلق اقتصادی - به عنوان تنها عامل و استراتژی توسعه خود را به کار گرفته و توسعه خود را به عنوان یک سرخوردگی از این الگو، از همان دهه ۱۹۶۰ آشکار کرد. بحث بر این است که چگونه می توان این چشمانی مطلوب توسعه هنوز ادامه داد. رولف دابره در کتاب *Rolf Dahren دورف* اینگونه مقاله حاضر می گویند که یک پارادوکس صورت توأم بودن رشد اقتصادی و کاهش از فاصله های اجتماعی را در نیل به توسعه خاطر نشان کرده است. و البته مسئله آنست که همان نتایج محرومان بگذارد. و به بنیای سرمایه داری توسعه می کند که هزینه جابجایی از انقلاب چیست؟

این سؤال، نیکان دفعه است. بعضی ها میگویند است استدلال کنند که بعضی ساختار استحقاق و حق برخورداری، تقریباً سراسر قابل تغییر است. اگر چنین می بود، ما در مورد توسعه اقتصادی اساسی را که در خلال اینها با زندگی می کرده اند، هیچگاه خودتقلات را به فراموش کرده اند. بر روی ششگانه کسری اولیه اقتصاد، در آن همه کسری برخورداری ساخته اند. آنها تبدیل موجه، با خودان، انقلاب، خود زمان ها و مکان های است که وقوع انقلابها را اجتناب ناپذیر می کند. به هر حال، کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و با حداقل از نظر زمانی و از نظر مکانی در وضعیت انقلابی هستند (فصل اعظم بلیه) در کشورهای جهان مگر در چندین وضعیت هستند. بنابراین، بهر است آن دسته از تغییرات مهمی را که تاریخ از اصلاحات استحقاق نشان می دهد، به وقوع آمیخته می شود. این تغییرات اساسی در واقع، برای دولت اجتماعی (Social State) دولت رفاهی که بسیار دور اندک گفته شده است، نیز سر نهی آن هستند. اگر ما خود را به موارد فوق بیاوریم باید دست و پا بستگ شوند (یعنی نابرابری های جدید ناشی از توسعه جدید) و همچنین موضوعات عدم استحقاق و فقر در متدین کشورها از این (برون) بازمانده استحقاق استحقاق اقتصادی منضم و چیزی کمتر از آن.

این سؤال، نیکان دفعه است. بعضی ها میگویند است استدلال کنند که بعضی ساختار استحقاق و حق برخورداری، تقریباً سراسر قابل تغییر است. اگر چنین می بود، ما در مورد توسعه اقتصادی اساسی را که در خلال اینها با زندگی می کرده اند، هیچگاه خودتقلات را به فراموش کرده اند. بر روی ششگانه کسری اولیه اقتصاد، در آن همه کسری برخورداری ساخته اند. آنها تبدیل موجه، با خودان، انقلاب، خود زمان ها و مکان های است که وقوع انقلابها را اجتناب ناپذیر می کند. به هر حال، کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و با حداقل از نظر زمانی و از نظر مکانی در وضعیت انقلابی هستند (فصل اعظم بلیه) در کشورهای جهان مگر در چندین وضعیت هستند. بنابراین، بهر است آن دسته از تغییرات مهمی را که تاریخ از اصلاحات استحقاق نشان می دهد، به وقوع آمیخته می شود. این تغییرات اساسی در واقع، برای دولت اجتماعی (Social State) دولت رفاهی که بسیار دور اندک گفته شده است، نیز سر نهی آن هستند. اگر ما خود را به موارد فوق بیاوریم باید دست و پا بستگ شوند (یعنی نابرابری های جدید ناشی از توسعه جدید) و همچنین موضوعات عدم استحقاق و فقر در متدین کشورها از این (برون) بازمانده استحقاق استحقاق اقتصادی منضم و چیزی کمتر از آن.

این سؤال، نیکان دفعه است. بعضی ها میگویند است استدلال کنند که بعضی ساختار استحقاق و حق برخورداری، تقریباً سراسر قابل تغییر است. اگر چنین می بود، ما در مورد توسعه اقتصادی اساسی را که در خلال اینها با زندگی می کرده اند، هیچگاه خودتقلات را به فراموش کرده اند. بر روی ششگانه کسری اولیه اقتصاد، در آن همه کسری برخورداری ساخته اند. آنها تبدیل موجه، با خودان، انقلاب، خود زمان ها و مکان های است که وقوع انقلابها را اجتناب ناپذیر می کند. به هر حال، کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و با حداقل از نظر زمانی و از نظر مکانی در وضعیت انقلابی هستند (فصل اعظم بلیه) در کشورهای جهان مگر در چندین وضعیت هستند. بنابراین، بهر است آن دسته از تغییرات مهمی را که تاریخ از اصلاحات استحقاق نشان می دهد، به وقوع آمیخته می شود. این تغییرات اساسی در واقع، برای دولت اجتماعی (Social State) دولت رفاهی که بسیار دور اندک گفته شده است، نیز سر نهی آن هستند. اگر ما خود را به موارد فوق بیاوریم باید دست و پا بستگ شوند (یعنی نابرابری های جدید ناشی از توسعه جدید) و همچنین موضوعات عدم استحقاق و فقر در متدین کشورها از این (برون) بازمانده استحقاق استحقاق اقتصادی منضم و چیزی کمتر از آن.

این سؤال، نیکان دفعه است. بعضی ها میگویند است استدلال کنند که بعضی ساختار استحقاق و حق برخورداری، تقریباً سراسر قابل تغییر است. اگر چنین می بود، ما در مورد توسعه اقتصادی اساسی را که در خلال اینها با زندگی می کرده اند، هیچگاه خودتقلات را به فراموش کرده اند. بر روی ششگانه کسری اولیه اقتصاد، در آن همه کسری برخورداری ساخته اند. آنها تبدیل موجه، با خودان، انقلاب، خود زمان ها و مکان های است که وقوع انقلابها را اجتناب ناپذیر می کند. به هر حال، کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و با حداقل از نظر زمانی و از نظر مکانی در وضعیت انقلابی هستند (فصل اعظم بلیه) در کشورهای جهان مگر در چندین وضعیت هستند. بنابراین، بهر است آن دسته از تغییرات مهمی را که تاریخ از اصلاحات استحقاق نشان می دهد، به وقوع آمیخته می شود. این تغییرات اساسی در واقع، برای دولت اجتماعی (Social State) دولت رفاهی که بسیار دور اندک گفته شده است، نیز سر نهی آن هستند. اگر ما خود را به موارد فوق بیاوریم باید دست و پا بستگ شوند (یعنی نابرابری های جدید ناشی از توسعه جدید) و همچنین موضوعات عدم استحقاق و فقر در متدین کشورها از این (برون) بازمانده استحقاق استحقاق اقتصادی منضم و چیزی کمتر از آن.

خورداری کشورها در حال توسعه. یعنی اینکه باید از تفریق میان کسبکار و دارای منابع قانونی (Vested Interest) در حفظ ساختار دولتی موجود، پرهیز کرد. کسب های مالی و تکنیکی، باید برپایه آنچه که می توان اجرا و جامع شهری دو جهان سوم خوانده، متمرکز شود. این امر زمانی مراز به طرف بی اساسی از کسب ها در برابر آن مقاومت می کنند. اما دشمنی است. موضوع اصلی در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی توسعه بیش از آنکه بسط ساختارهای حق برخورداری باشد. اطمینان از تشریح مجدد سنت طرف عمومی است. این امر ممکن است تغییراتی را در توزیع کار ایجاد نماید و مسأله کوشش معطوف بر جای جلوگیری از رخت دولت احضار به شکل جدیدی از قانون فقر (Poor Law) یا حتی صدقات باشد. مجدداً گفتن، اساساً اصل کرم است. اکثریت آسوده و راحت، برای دفاع از اوضاع خود خواهد کوشید. جایگزین کردن منابع حیات برای کسب منابع عاجز آسان نیست. اما مجدداً باید گفت که این بجای نیز نشینی است.



توسط چه کسی؟ در اینجا بین الملل گویای خود را در وضعیت ناآرامی می یابد. از آن بگذریم که در راهی سازماندهی که حل ذهنی آن نیز دشوار است، چه برسد به حل عقلی آن. سازمان های بین المللی به دنبال مسأله حق برخورداری در کشورهای توسعه و در اجتناب که این دوگانگی حضور دارد. توجه آنها بیشتر به رشد اقتصادی است. نشیمنات حق برخورداری - کشاندن بیشتر از مردم به عرضه، گسترش بازارها، به وجود آوردن توده قائلان و افزایش تعداد کسانی که بتوانند زندگی خود را برپایه تولید در زمینه های انجام شده که به حق برخورداری نیات می بخشد. این زمینه ها می تواند محمل یا مطلقه ای باشند و غالباً می هستند. زیرا نظام قوانین و حق شهروندی اموری مثل هستند. اصول عدم دخالت در امور داخلی کشورها - که یک نظام بین المللی می تواند تنها برپایه اساسی نباشد - طبق تعریف، به معنای تازایی سازمان های بین المللی در حل یا مجامعه و مسأله اساسی است. این سازمان ها در نهایت نیست به این موضوع که زماندار کشور چه کسی است - کاتیریبی یا الفرنسین، مارکوس یا اکتیو، سورویا یا اورگان - متفاوت هستند. اما ممکن است جهان را زمین کرده باشد، آنکه نه که کاتس بش. از ۲۰۰ سال قبل می گات. - منظور او، ظهور جوامع شهری در اروپا و امریکای شمالی بود - اما افکار و اخلاقی کردن آن بگردد، بهر صورت، استتلاط ما در اینجا بیان می گردد. بلکه نام الفرنسین، اکتیو یا حتی اورگانکامی کننده می تواند بین امریکای شمالی و نامزد و نیاز به تغییر حق برخورداری باشد. بر مگر بین موزون و این نهران - و سایر طرفی که در وضعیت مشابه هستند - با آن مواجبه، انجام تغییرات ساختاری در زمان کرده - حق زوال اقتصادی است. این دو راهی، غالباً به تجویز دیکتاتوری می شود.

تاریخ، در کل با کسانی که جدید کشورهای جهان سوم، بدتر از این نیست که بگوئیم تا زمان اصلاح وضعیت اقتصادی، اصلاحات ساختاری خود را به تعویق اندازند.

می شود. انهایی که در دوره ای بین رشد و تغییر سرگرداند. پیش از هر کس دیگری، به کمک آن عده از ما که در وضعیت خوشحالی کندهتری هستیم، نیاز دارند. چنین کسی، باید در ارتباط با مردم باشد. نشانه به نشانه با این حالت که نظام بین المللی در مرحله ای مسأله حق برخورداری این موانع است. تاریخ در کفقت خود، با کسانی که نیاز به تغییر در راه می کنند، پیوند می بخشد. انجمن که در وقت ما به آنها اجازه می دهد در رفاه اصلاحات کلی به نفع همه، به درون اجزای ساختاری بسیاری از دوره ای و برناتی، شاید توضیح دهنده می بخشد. این واقعیت ناخواسته می باشد. تفاوت بسیاری از افراد در مقابل تغییرات و تشنگی اکثر قائلان، از جمله این واقعیت هستند.

اگر، هیچ امری خواهش نیست، پس باید به شکل شرایط بود که در آن سطوحی جاری رشد، کاهش دهنده در واقع تغییرات باشد. اگر ما در خواست خود برای آزادی و رفاه همه مردم می هستیم، باید در ایجاد شرایطی که تمام رفاه اقتصادی به گونه ای کوشیم که در آن گسترش حق برخورداری در مردم محروم خودمان باشد. اگر ما در رشد اقتصادی تأکید داریم، به دوره ای از تغییرات شدید گام خواهیم گذاشت که با پیوستن شدن شرایط اجتماعی و قوانین کار مردم همراه است.

به یاد داشته باشید که در کشورهای محروم، در اینجا چه هستند. این موضوعات در اصل دو دسته اند. دسته اولی موضوعات داخلی اند. که اینجانبان چندین در نفعات و افزایش حکومتها، با برپاوردن آنها مصوب می شوند. این یک نوع فعالیت باید شکل قالب داشته باشند. البته نه به این معنا که کسب سود نفعات باید مجدداً تعریف شوند. ولی

با این وصف متصور بشرفت باقی بماند. چندان برآزنده و هرمان نیست که چنین جایز کند و در واقع تری خود، در واقع نقد دست دوم موضوعات بین المللی هستند. یک نظیم جدید جهانی باید در خلق یک وضعیت برابر، با ثبات و چابک، سه برای مبادی موزون، کارگاه و خدمات و همچنین انگار، کارگاه، هر دو دسته موضوعات داخلی و بین المللی، باید با تغییرات برای کشورهای جهان سوم داشته شود. در اینجا نیز قالب دادن به نفعات و وضعیت بین المللی با ثبات ضروری است. این مسأله به این شکل از اختصار رسائی که در اینجا گفته شد نیست. این امر، بر سطح از دوره ای که طی آن تمام کشورهای از جمله قوی ترین کشورهای دنیا نیز نمایان دارند. لاک خود فروخته و بر روی خود دل بسوزانند. و بیشتر از زمانها نیز کاری شایسته و طاققت فرسات، از آن ... شرایط است. آنچه که می توان برای بهبود آن انجام داد، موضوعی بهر دست و دستپاچه تاریخ است.

کمیاب می انتظار وجود دارد که در خود، این موضوع بیشتر بحث کنیم. اگر این کار را نکرده، به سبب تراش و نامی با دروغ نیست، بلکه فکر می کنم با بحث در مورد رشد و معرزه با خط غیر مستقیم فراز می گیریم. به شایع می شود نظر یکی در تحلیل دیگری در عمل. در مورد تحلیل ما، هنوز با این فکر که اگر بنویسیم متوردر رشد را روشن نگوییم، در نهایت همه به خط خواهند آمد. خود را قریب می آمیم. ما موضوعات حق برخورداری را بررسی می کنیم. در این مطرح هم می کنیم. به موضوع می گوئیم Under class غیر قابل تسخیر، اصلاحات اجتناب ناپذیرند. غت با حقت درصد بیکاری تأسیس با، اما احتمال میزان طبیعی است. به یقین هیچ تگرانی است. اما اگر بزرگ به خود حرکت داده، هندوسان بالاخره روزی از آن تبعیت خواهد کرد. اما این پیش فرضها با غلط است. کمالات ایجاد دارد که دارندگان، دارای خود را افزایش دهند و هیچ، مسیانه نفر بماند. این امر به ویژه در مواردی می صحرای است. اگر نادرانگ اکثریت استثنائی می دهند - وضعیت امروزی کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی - و توسعه - می چه چیزها به شاه نشینی است. گزار و ملل که در بروردن سخن اوضاع از حد خواهند رفت. در نظر نگه، می شوند. روبرو شدن با موضوع حق برخورداری بیش از حد

اسان است. در اینجا است که احتمال دارد اشتباه دوم، یعنی اشتباه در عمل صورت گیرد. یکی از فرضیه های این استدلال چنین است که رشد، پس شرط لازم در تغییر ساختاری آزادی مدام، بسیار مطلوب و شایسته تمام کوشش های حکومت و بسیار عامل اقتصادی و سیاسی است. اما رشد ثبات، تالیه میل به توجهی برای می تأسیس نیست به حق برخورداری می شود. حتی این اشتباه که ابتدا باید به رشد اقتصادی رسیده سپس به امور دیگر پرداخت، بجای حل مسأله جامع جهان، به این نشان این مسأله و مشکلات منجر خواهد شد. تحلیل توصیه ای در رهبران جدید کشورهای جهان سوم، بدتر از این نیست. که بگوئیم تازمان اصلاح وضعیت اقتصادی، اصلاحات ساختاری خود را به تعویق اندازند. در خود کشورهای غنی، استراتژی های رشد به شکل خیلی سریع و درجهت تمایل به انبساط کردن و تولیدهای دارند که در صورت تعدادی از مردم، یکی از خواص مهم آن است. تغییرات لازم، تنها در شرایط بد میسر است. اما رشد را نمی توان هرگز تغییرات تغییرات ساختاری ضروری نمود. استراتژی هایی که برای ما در آزادی و رونق لازمند، بسیار پیچیده هستند و بهتر است از همین حالا با راه روبرو شویم.

۱- توسعه مقاله در مورد «تاریخ و اقتصاد» (Rolf Dahrendorf) مدبر سابق مدرسه اقتصادی لندن و عضو قبلی کسیون کار (Donal) در حوضه بر علوم اجتماعی دانشگاه کانتانت (کرنال) در حوضه ر. و قدرال. آمان است. مشخصات مقاله در مجله اصلی:

Rolf Dahrendorf, «Economic Growth, Governability, and Entailments.» The Washington Quarterly, Fall 1986, Pp. 61-65

پایه-ها

۱- Trickle Down Theory - این نظریه معتقد است که اثرات رشد اقتصادی و افزایش ثروت خود نامر، موجب بهبود وضعیت اقتصادی طبقات پایین تر خواهد شد.

۲- لفظ «تاریخ» در اینجا به معنای «تاریخ» و «تاریخ» برای استفاده از امکانات موجود در جامعه است.